

## زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۰ (بهار و تابستان ۱۴۰۱) شماره صفحات: ۱۷۳ - ۱۹۱

### وجهیت احتمالی / تداولی در زبان ترکی آذربایجانی با رویکرد نظام دستور نقشی هلیدی

بهرام مختاری خیاوی<sup>۱</sup>، مسعود ذوقی<sup>۲\*</sup>، نادر اسدی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، آذربایجان شرقی، ایران.

۲. استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، آذربایجان شرقی، ایران.

۳. استادیار زبان‌شناسی کاربردی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، آذربایجان شرقی، ایران.

#### چکیده

عدم توجه به مقوله وجهیت در دستور زبان ترکی آذربایجانی باعث آمیختگی آن با مفهوم وجه و ایجاد ابهام، کثرت و گاه تناقض در تقسیم‌بندی وجه شده است. هدف این جستار، مطالعه زبان ترکی بر اساس رویکردی است که بتواند تمایزی شفاف بین این دو مقوله ایجاد کند. روش تحقیق، بررسی وجهیت احتمالی / تداولی در ترکی با توسل به بندهای ترکی با معادل‌های انگلیسی و فارسی آنها و با پیروی از الگوی ساختار وجه در رویکرد دستور نقشی بوده و این نتایج به دست آمد: حالت‌های احتمال و تداول در سه درجه و سطح متفاوت در زبان ترکی مشخص شد. برخلاف زبان انگلیسی، در برخی موارد در ترکی آذربایجانی، پیوندهایی که سطح یقین بالا و متوسط را از هم متمایز کند وجود نداشته، بلکه برای دو حالت مذکور از پیوند یکسانی استفاده می‌شود. همچنین تمایز معنایی زمان‌داری‌های مختلف برای بیان درجه امکان در انگلیسی، در زبان ترکی بدلیل استفاده از یک پیوند امکان‌پذیر نیست. حضور افزوده‌های وجهی در بندها سبب ارتقای سطح یقین در این زبان شده و ابهام در تمایز بین درجات زمانداری‌ها در زبان ترکی را رفع می‌کند. مفهوم زمان در زمانداری‌های وجهی در زبان ترکی، برخلاف انگلیسی، به واسطه پیوند *-Id* و عدم حضور آن یعنی تکواژ صفر نمود پیدا می‌کنند که به ترتیب بیان‌گر زمان گذشته و حال می‌باشند.

#### واژه‌های کلیدی:

افزوده وجهی

دستور نقشی

وجه

وجهیت احتمالی /

تداولی

وجهیت

#### تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۲ آبان‌ماه ۱۴۰۰

پذیرش: ۹ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱

\* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: [dr.m.zoghi@gmail.com](mailto:dr.m.zoghi@gmail.com)

## ۱. مقدمه

مقاله حاضر پژوهشی است که مفهوم وجهیت از نوع احتمالی/تداولی<sup>۱</sup> را با رویکرد نظام دستور نقشی هلیدی<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) و هلیدی-متیسن<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) در زبان ترکی آذربایجانی مورد بررسی و تحلیل قرار داده تا رفتارهای زبانی این زبان را در قالب رویکرد مذکور مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد. در ابتدا باید به این مسئله توجه کرد که وجه<sup>۴</sup> و وجهیت<sup>۵</sup> در رویکردهای نوین زبان‌شناسی، در واقع به عنوان دو مقوله مرتبط به هم در نظر گرفته می‌شوند که طبیعتی نحوی-معنایی دارند و در آن‌ها وجهیت بیانگر دیدگاه متکلم به وقوع یک واقعه است. در دیدگاه پالمر<sup>۶</sup> (۱۹۸۶) وجه به صورت و ظاهر فعل و وجهیت به نقش و کاربرد آن اطلاق می‌شود در صورتی که در نظام دستور نقشی هلیدی (۱۹۸۵) وجه و وجهیت در درون ساختاری مطالعه می‌شوند که اصطلاحاً ساختار وجه<sup>۷</sup> نامیده می‌شود. در این دیدگاه ساختار وجه از دو بخش وجه (Mood) - با حرف اول بزرگ در انگلیسی شروع می‌شود و از دو بخش نهاد و زمانداری تشکیل یافته و عامل تمایز وجه (mood) با حرف اول کوچک است که نشان‌گر وجوه اخباری، سوالی و امری در درون یک بند می‌باشد- و باقی‌مانده یا مانده تشکیل یافته است. جابجایی عناصر نهاد و زمانداری سبب تمایز وجوه اخباری و سوالی و حذف نهاد از اول بند مشخص‌کننده بندهای امری در زبان انگلیسی می‌باشد.

به طور خلاصه، وجهیت در این نظام به فاصله بین دو قطبیت یعنی بلی و خیر اطلاق می‌شود. چنان‌که محصول ارتباط بینافردی ما تبادل اطلاعات باشد در این حالت سخن می‌تواند به شکل یک گزاره<sup>۸</sup> در نظر گرفته شود که در آن نگرش سخنگو به رویداد یا وجهیت می‌تواند به شکل درجاتی از احتمال یا امکان وقوع<sup>۹</sup> و یا درجاتی از تداول<sup>۱۰</sup> یعنی امکان تکرار یک رویداد باشد. این نوع از وجهیت در این رویکرد اصطلاحاً وجهیت احتمالی / تداولی نامیده می‌شود. نوع دوم وجهیت که در حیطه مطالعات این پژوهش نمی‌باشد وجهیت التزامی/تمایلی<sup>۱۱</sup> نام دارد که در آن، رویکرد به سخن حالت پیشنهادی دارد و وجهیت درجاتی از اجبار و تمایل را در بر می‌گیرد. آن‌چه که از این توضیح اجمالی برمی‌آید این است که وجهیت در این رویکرد به طور کلی به دو شکل و در چهار حالت مورد بررسی قرار می‌گیرد و مقوله وجه به شکل معناداری از وجهیت جدا و متمایز شده است. یکی از مسائلی که در دستور زبان ترکی آذربایجانی در مورد مقوله وجه و وجهیت وجود

<sup>1</sup> modalization

<sup>2</sup> M. A. K. Halliday

<sup>3</sup> C. Matthiessen

<sup>4</sup> mood

<sup>5</sup> modality

<sup>6</sup> F. R. Palmer

<sup>7</sup> mood structure

<sup>8</sup> proposition

<sup>9</sup> probability

<sup>10</sup> usuality

<sup>11</sup> modulation

دارد این است که در این زبان، تعریف دقیق و مشخصی از وجه وجود ندارد که بر پایه یک تئوری مشخص زبانی بنا شده باشد و رویکرد به این موضوع اساساً یک رویکرد تصریفی است. به بیان دیگر، معیار تعیین نوع وجه یک معیار ساختوازی- نحوی است که بر افعال تمرکز دارد و توجهی به تاثیر دیگر عناصر موجود در جمله نمی‌کند.

مسئله دیگر غفلت و عدم توجه به مفهوم وجهیت در این زبان است که به نوعی سبب آمیختگی وجه و وجهیت و ابهام در تقسیم‌بندی این مقوله شده است. به همین دلیل در کتب دستوری مختلف در زبان ترکی آذربایجانی، شاهد تقسیم‌بندی‌های متفاوت و مبهمی از نظر تعداد و نوع وجه هستیم. به عنوان مثال هادی (۱۳۷۴) آن را به ۱۰ نوع و فرزانه (۱۳۵۸) آن را به ۹ نوع و دیگر دستورنویسان به تعداد کم‌تری تقسیم‌بندی نموده‌اند. به بیان دیگر، در این نوع از رویکرد دستوری، آنچه که باید در حوزه وجهیت تعریف شود در مقوله وجه جای گرفته و باعث ابهام و سردرگمی در تقسیم‌بندی شده است. بنابراین با توجه به مسائل فوق و با مطرح شدن نظریه‌های سپسین زبان‌شناسی همچون نظام دستور نقشی که تلاش دارد وجه و وجهیت را از دیدگاه معنی‌شناسی مورد مطالعه قرار دهد و این دو مقوله را از هم متمایز کند، هدف از این تحقیق آن است که ضمن این‌که یافته‌های احتمالی آن شاید بتواند شواهد بیشتری را در تائید نظریه هلیدی (۱۹۸۵) ارائه بدهد، مقوله وجهیت در زبان ترکی آذربایجانی را با این رویکرد بررسی کند و بتواند به این پرسش‌ها پاسخ بدهد: ۱. وجهیت احتمالی در زبان ترکی آذربایجانی به چه صورتی نمود پیدا می‌کند؛ ۲. وجهیت تداولی در زبان ترکی چگونه است؛ ۳. نقش افزوده‌ها در تمایز درجات یقین و تداول به ترتیب در وجهیت احتمالی و تداولی چیست و ۴. زمان گذشته و حال در زمان‌داری‌های وجهی به چه شکلی در زبان ترکی نمود پیدا می‌کنند.

## ۲. پیشینه پژوهش

پیش از پرداختن به سوابق مطالعاتی در زمینه وجهیت، لازم است در ابتدا ذکر شود که مفهوم وجهیت در منابع دستور زبان ترکی آذربایجانی مطلقاً مطرح نشده است و مطالعه‌ای هم که در این زمینه با رویکرد نظام دستور نقشی هلیدی (۱۹۸۵) در زبان ترکی آذربایجانی صورت گرفته باشد در پیشینه پژوهشی یافت نشد. با این حال، یادآوری این نکته نیز مهم است که مفهوم وجهیت موضوعی نیست که برای نخستین بار فقط در نظام دستور نقشی هلیدی (۱۹۸۵) مطرح شده باشد، بلکه در زمان‌های مختلف و در قالب‌های متفاوتی توسط دیگر محققان حوزه زبان بیان گردیده است. پالم (۱۹۸۶: ۲۱) وجهیت را جنبه‌ای از کنش غیرزبانی می‌داند که به وسیله ابزارهای دستوری بیان می‌شود که همان وجه می‌باشند. به بیان دیگر، پالم وجه را فرم و وجهیت

را کارکرد در نظر می‌گیرد. وجهیت در این دیدگاه به سه نوع اصلی معرفتی<sup>۱</sup>، استلزامی<sup>۲</sup> و پویایی<sup>۳</sup> تقسیم می‌شود.

تا کر<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) در مورد منابع جایگزین یا ثانویه فعل کمکی مطالعه کرده و قیود مخصوصاً قید possibly را مورد تاکید قرار می‌دهد. وی به موضوع وجهیت از این منظر که در جمله از فعل کمکی استفاده شده یا نشده می‌پردازد و حالت اول را وجهیت اولیه<sup>۵</sup> و حالت دوم را وجهیت ثانویه<sup>۶</sup> می‌نامد. در وجهیت ثانویه از قیود کمکی و دیگر عناصر کمکی که به طور ذاتی و به شکل طبیعی مفهوم فعل کمکی را می‌رسانند استفاده می‌شود. در نهایت بیان می‌کند که قیده‌های کمکی نه تنها به عنوان یک منبع جایگزین عمل می‌کنند بلکه زمانی که فعل‌های کمکی در دسترس نیستند می‌توانند به عنوان تنها منبع به کار بروند. زاهدی و بازیان (۱۳۸۷) به بررسی وجه و وجهیت در زبان ترکی آذربایجانی پرداخته و سعی کرده‌اند نشان دهند که افعال وجهی یکی از راه‌های بیان وجه هستند. چارچوب نظری این مطالعه بر پایه آرا و نظرات پالمر (۱۹۸۶) است. در این پژوهش سه وجه اخباری، امری و التزامی با درجات امکان و الزام برای زبان ترکی آذربایجانی مشخص شده است. این پژوهش در بخش نتیجه‌گیری، افعال وجهی در ترکی آذربایجانی را به نقل از خودشان شامل فعل‌های بیلماخ<sup>۷</sup> به معنی دانستن، باشارماق<sup>۸</sup> به معنی توانستن، گرک<sup>۹</sup> به معنی باید و اولماق<sup>۱۰</sup> به معنی انجام‌شدن در نظر گرفته و درجات افعال وجهی در حوزه وجهیت در این زبان را صرفاً امکان و الزام می‌داند. نقدی که به این تحقیق می‌توان وارد کرد این است که در این بررسی، زبان ترکی از نظر رده‌شناسی<sup>۱۱</sup> در ردیف زبان انگلیسی در نظر گرفته می‌شود و برای نشان‌دادن وجهیت در زبان ترکی به دنبال فعل‌های وجهی مستقل مانند can / should... بوده است و به همین خاطر است که فعل‌های بیلماخ، باشارماق و اولماق را که در اصل فعل‌های واژگانی هستند و کلمه‌های مانند گرک را که در اصل یک قید یا افزوده محسوب می‌شود، به عنوان افعال وجهی در نظر گرفته شده‌اند. آنچه در این‌جا قابل ذکر است این است که مفهوم وجهیت در زبان ترکی با تغییر ساختارهای یعنی با افزودن پسوندهایی (نه با فعل‌های مستقل) حاصل می‌شود که به آخر فعل واژگانی متصل می‌شوند و به تنهایی معنی ندارند.

<sup>1</sup> epistemic

<sup>2</sup> deontic

<sup>3</sup> dynamic

<sup>4</sup> G. Tucker

<sup>5</sup> modalized

<sup>6</sup> not-modalized

<sup>7</sup> bilmax

<sup>8</sup> başarmaq

<sup>9</sup> gərək

<sup>10</sup> olmaq

<sup>11</sup> typology

آیمر<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) به بررسی وجه و وجهیت با تکیه بر نظام دستور نقشی می‌پردازد و بیان می‌کند که موقعیت اتخاذشده توسط این مکتب از این منظر که صورت را به نقش مربوط می‌کند، می‌تواند به عنوان ساخت‌گرایی نقش‌گرایانه در نظر گرفته شود. نویس<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) طیف وسیع‌تری را برای نمود زبان‌شناختی وجهیت در نظر می‌گیرد و چهار حالت را با توسل به نمونه‌های (۱) تا (۴) که همگی در زبان‌های اروپای غربی یافت می‌شوند، برمی‌شمارد:

1. *Maybe/probably/certainly... they have run out of fuel.*
2. *It is possible/probable/likely/certain... that they have run out of fuel.*
3. *I think/believe... they have run out of fuel.*
4. *They may/might/must... have run out of fuel.*

نویس (۲۰۰۱) در مثال‌های (۱) تا (۴) به ترتیب قیده‌های کمکی، صفات کمکی، حالت ذهنی گزاره‌ها و افعال کمکی را نشانه‌های وجهیت معرفی کرده‌اند. رحیمیان و عموزاده (۱۳۹۲) وجهیت و افعال وجهی در زبان فارسی را بر اساس دیدگاه پالمر (۱۹۸۶) و از دو جنبهٔ درجه و نوع بررسی کرده‌اند و نقش مهم بافت موقعیتی را در ابهام‌زدائی معانی افعال وجهی یادآور می‌شوند. نقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی مفهوم ذهنیت در دو فعل وجهی باید و توانستن در زبان فارسی و همچنین بررسی مفهوم گوینده‌محوری در مقابل محتوامحوری می‌پردازند و ضمن ارائهٔ شواهدی از گویشوران بومی زبان فارسی، مفهوم ذهنی بودن این دو فعل، پدیده تعدد معنا با توجه به جنبه‌های معناشناختی و کاربردشناختی این افعال و همچنین دلیل همگرایی صوری معانی الزامی، پویایی و معرفتی در این دو فعل وجهی را مطالعه کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که مرز بین عینیت و ذهنیت در افعال وجهی کاملاً مشخص نیست و این دو از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. همچنین درک کامل مفهوم عبارات وجهی، حاصل یکپارچگی عناصر بافتی و دانش دایره‌المعارفی است که افراد از جهان پیرامون خود دارند و در نهایت اینکه اشتقاق معنای معرفتی از معنای الزامی تنها با اتکاء بر معیارهای معناشناختی امکان‌پذیر نیست بلکه جنبه‌های کاربردشناختی نیز در این فرایند نقش دارند. همایون‌فر (۱۳۹۲) در مورد وجه و تأثیر آن بر نظام فعل در زبان فارسی بیان می‌کند که وجه، مقوله‌ای میان‌حوزه‌ای در زبان‌شناسی محسوب می‌شود که از یک سو با حوزهٔ نحو و از سوی دیگر با حوزهٔ معنی‌شناسی و کاربردشناسی در ارتباط است. وی به فعل‌های وجهی فارسی همچون باید، شاید، توانستن اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که این فعل‌های کمکی درجه‌هایی از دستوری‌شدگی را طی کرده‌اند و تعدادی از صورت‌های تصریفی خود را از دست داده‌اند و چندنقشی شده‌اند. این ویژگی سبب ابهام معنایی در جمله‌های دارای این فعل‌های کمکی شده است. این تحقیق در چارچوب نظری کمینه‌گرایی<sup>۳</sup> بنا شده شده است. رحیمیان (۱۳۷۸) به توصیف وجه از نظر صوری و معنایی می‌پردازد و

<sup>1</sup> K. Aijmer

<sup>2</sup> J. Nuyts

<sup>3</sup> Minimalism

نشان می‌دهد که چنین تمایزی بین این دو ضروری است. وی همچنین به رابطه بین این دو وجه می‌پردازد و بیان می‌کند که وجه صوری در مقایسه با وجه معنایی از نظر تعداد محدود است و اشاره می‌کند که وجوه معنایی در صورتی که در قالب دستوری خاصی بیان شوند، اصطلاحاً دستوری شده نامیده می‌شوند. این مطالعه وجه فعل فارسی را به دو دسته اخباری و غیراخباری تقسیم می‌کند که در آن دسته اول یک عضو و دسته دوم دو عضو دارد که به ترتیب عبارتند از: اخباری، امری و التزامی. میراحمدی (۱۳۸۳) به بررسی وجه فارسی با رویکرد دستور نقشی می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که هر بند در زبان فارسی از دو بخش فاعل و زمان‌داری تشکیل شده و وجوه را به سه دسته اخباری، پرسشی و امری تقسیم کرده است. صفایی اصل (۱۳۹۵) به مطالعه سه نظام بنیادی «نوع فرآیند»، «نوع وجه» و «آغازگر» با رویکرد رده‌شناختی متیسن (۲۰۰۴) پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هر دو زبان فارسی و ترکی همانند زبان انگلیسی مقولات «خبری، پرسشی قطبی، پرسشی پرسش‌واژه‌ای و امری را از همدیگر متمایز می‌سازد و بر این اساس تعمیم متیسن (۲۰۰۴) مبنی بر سه مقوله یادشده در مورد دو زبان فارسی و ترکی نیز تأیید می‌شود. لاینز<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) وجهیت را اطلاعات معنایی مربوط به بینش یا دیدگاه گوینده درباره آن‌چه گفته می‌شود می‌داند. فیلمور<sup>۲</sup> (۱۹۶۸) وجهیت را ماهیتی می‌داند که ورای گزاره موجود در عبارت زبانی وجود دارد. گیون<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) و ناروک<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) نیز وجهیت را ابزاری برای بیان صدق و کذب می‌دانند. توانگر و عموزاده (۲۰۰۹) عبارات وجهی را از نظر واژ- نحوی به چهار گروه طبقه‌بندی می‌کنند:

الف: افعال واژگانی وجهی مانند: اجازه‌داشتن و امکان‌داشتن

ب: افعال کمکی وجهی مانند: توانستن و باید

پ: گزاره‌های وجهی مانند: فکرکردن و خیال‌کردن

ت: قیود وجهی مانند: قطعاً، شاید.

هلیدی (۱۹۸۵) هلیدی (۱۹۷۸)، هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) و اگینز (۲۰۰۴) به تفصیل به بحث در مورد نظام دستور نقشی پرداخته‌اند که در بخش چارچوب نظری جستار حاضر بیان می‌شود.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

نظام دستور نقشی یا نظریه نقش‌گرای هلیدی (۱۹۸۵) یکی از نظریه‌های زبان‌شناسی است که علاوه بر توجه به لایه‌های ساختاری درون جملات و متن، به معنای بافت موقعیتی و غیرزبانی متن نیز توجه دارد. در

<sup>1</sup> J. Lynons

<sup>2</sup> C. Fillmore

<sup>3</sup> T. Givon

<sup>4</sup> H. Narrog



این رویکرد تلاش می‌شود که علاوه بر عوامل درونی متن، عوامل بیرونی یا همان بافت زبانی<sup>۱</sup> نیز مد نظر باشد. توجه به عوامل بیرونی یعنی توجه به نقش واقعیات اجتماعی و تفکر و اندیشه آدمی در پدید آمدن گفتار، آن چیزی است که باعث درک درست ما از متن می‌شود. به بیان دیگر، متن و بافت دو جنبه از یک فرآیند واحد هستند (هلیدی و حسن<sup>۲</sup>، ۱۳۹۳: ۳۸). در این رویکرد معنا اساساً معادل با نقش است و آنچه را که هلیدی (۱۹۸۵) تحت عنوان فرانش از آن یاد می‌کند در واقع نقش‌های تجربی، بینافردی و متنی هستند که تامسون<sup>۳</sup> (۲۰۱۴: ۳۴-۳۳) ساختار آن‌ها را در درون هر بند با روابط (ث) تا (ج) نشان داده است.

ث: نقش‌های بینافردی: فاعل + زمانداری + محمول + متمم + افزوده

ج: نقش‌های تجربی: کنشگر + فرآیند + مقصد + شرایط

چ: نقش‌های متنی: آغازگر + پایان‌بخش

از بین این سه فرانش که در هر بند به طور همزمان ایفای نقش می‌کنند آنچه که با موضوع این جستار همسویی و ارتباط دارد و در بحث وجه و وجه‌نمایی مطالعه می‌شود، فرانش بینافردی<sup>۴</sup> است که در آن زبان به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط و تعامل با افراد استفاده می‌شود. بخش وجه در این رویکرد به دو قسمت نهاد<sup>۵</sup> و زمان‌داری<sup>۶</sup> تقسیم می‌شود. زمانداری عنصری است که از نظر زمان و قطبیت - مثبت و منفی بودن - و وجه‌نمایی قابل بحث است و به دو گروه تقسیم می‌شود؛ اول آن‌هایی که مانند *be/ do/ have* زمان را نشان می‌دهند و دوم آن‌هایی که مانند *can / may* وجهیت را مشخص می‌کنند؛ البته گروه دوم می‌تواند بیانگر زمان هم باشد. بخش باقی‌مانده خود می‌تواند به سه بخش محمول<sup>۷</sup>، متمم<sup>۸</sup> و افزوده<sup>۹</sup> تقسیم شود. محمول‌ها در واقع گروه فعلی به استثنای زمانداری‌ها را شامل می‌شوند. به بیان دیگر زمانداری‌ها در گروه محمول‌ها قرار نمی‌گیرند (تامسون، ۲۰۱۴). تامسون (۲۰۱۴) در مورد خودایستا و یا ناخودایستا بودن محمول‌ها بیان می‌دارد که به دلیل این که زمانداری‌ها بخشی از محمول نیستند، بنابراین محمول‌ها خود ناخودایستا محسوب می‌شوند. به بیان دیگر بعضی بندهای پیرو با وجود داشتن محمول‌ها، به خاطر این که از نظر زمانی وابسته به بند پایه<sup>۱۱</sup> هستند، ناخودایستا محسوب می‌شوند، مانند نمونه (۵).

5. *Tom stood for a while gazing at the cliff.* (تامسون ۲۰۱۴: ۶۳)

<sup>1</sup> context

<sup>2</sup> R. Hassan

<sup>3</sup> G. Thompson

<sup>4</sup> interpersonal metafunction

<sup>5</sup> subject

<sup>6</sup> finite

<sup>7</sup> predicator

<sup>8</sup> complement

<sup>9</sup> adjunct

<sup>10</sup> non-finite

<sup>11</sup> major clause

و بیان می‌دارند که *gazing* به عنوان محمول، در بند پیرو که خود ناخودایستا است، قرار دارد، در حالی که *stood* در بند پایه، آمیخته‌ای از زمان‌داری و محمول است. تامسون (۲۰۱۴: ۶۳) در مورد نقش محمول‌ها چنین بیان می‌دارد که محمول‌ها علاوه بر این که نشان‌گر یک فرآیند-عمل، اتفاق، حالت و غیره - می‌باشند، بیان‌گر زمان دوم<sup>۱</sup> نیز هستند. همچنین مفاهیم معلوم و مجهول‌بودن توسط این عناصر بیان می‌شوند. همچنین تامسون (۲۰۱۴) به سه نوع افزوده اشاره دارد که از این سه نوع، فقط افزوده‌های کمکی<sup>۲</sup> با نقش بینافردی در ارتباط هستند و به دو نوع توضیحی<sup>۳</sup> و وجهی<sup>۴</sup> تقسیم می‌شوند. افزوده‌های توضیحی مانند *unfortunately* و *surprisingly* عموماً نظر گوینده را درباره‌ی کل بند بیان می‌دارند، در صورتی که افزوده‌های وجهی مانند *maybe*، *already* و *never* به ترتیب به زمان، وجه‌نمایی و قطبیت مربوط هستند و رابطه‌ی نزدیکی نه با محمول‌ها بلکه با زمان‌داری‌ها دارند. هر دو نوع افزوده‌های کمکی در بخش وجه ساختار وجه قرار می‌گیرند. هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۱۲۸) سطوح تعدادی از افزوده‌های وجهی را در وجه‌نمایی احتمالی و تداولی مشخص و آن‌ها را به سه سطح بالا<sup>۵</sup>، متوسط<sup>۶</sup> و پایین<sup>۷</sup> طبقه‌بندی می‌کنند. در ارتباط با وجهیت، هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۴۷) و تامسون (۲۰۱۴: ۷۰) بیان می‌دارند که وجهیت برخلاف قطبیت یک مفهوم مطلق نیست که با پاسخ‌های بلی یا خیر همراه باشد؛ بلکه از نظر معنایی می‌توان حدوسطی را در نظر گرفت که مابین این دو پاسخ قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، کار وجه‌نمایی تعیین حوزه‌ی تردید بین بلی و خیر است. تامسون (۲۰۱۴: ۷۰) در نمونه‌های (۶) تا (۸) اشاره دارد که همانند وجه، وجه‌نمایی گستره‌ای بر کل جمله دارد و محدود به یک جایگاه خاص نیست و می‌تواند در یک عبارت در موقعیت‌ها و جایگاه‌های دستوری متفاوتی نمود پیدا کند:

6. *Perhaps scientists have found the lost city of Atlantis.*

7. *Scientist have possibly found the lost city of Atlantis.*

8. *Its possible that scientists may perhaps have found the lost city of Atlantis.*

طبق نظر تامسون (۲۰۱۴) مفهوم وجهیت صرفاً توسط زمان‌داری‌ها تعیین نمی‌شوند و نباید از تأثیر سایر عناصر در بافت همچون افزوده‌ها و متمم‌ها در نمود وجهیت غافل ماند. در نمونه‌های (۶) و (۷) وجهیت توسط یک افزوده و در نمونه (۸) به ترتیب توسط عناصر متمم، زمان‌داری و افزوده توأمآ نشان داده شده است. اگینز<sup>۸</sup> (۲۰۰۴: ۱۷۲) به دو نوع وجهیت احتمالی/تداولی و وجهیت التزامی/تمایلی اشاره و بیان می‌کند که وجهیت

<sup>1</sup> secondary tense

<sup>2</sup> modal adjunct

<sup>3</sup> comment adjunct

<sup>4</sup> Mood adjunct

<sup>5</sup> high

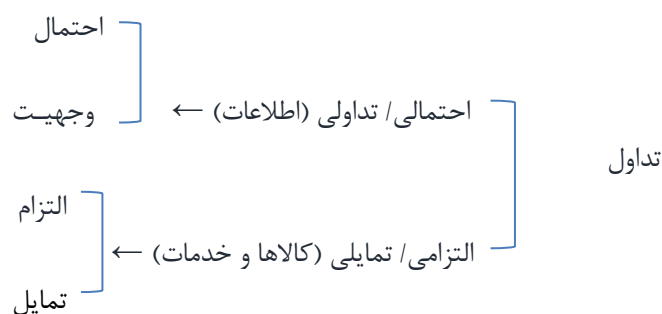
<sup>6</sup> median

<sup>7</sup> low

<sup>8</sup> S. Eggins



احتمالی/تداولی در واقع نیمی از حوزه دستوری وجهیت است که در آن احتمال وقوعیا تکرار و بسامد گزاره‌ها<sup>۱</sup> مورد تأکید است. تامسون (۲۰۱۴: ۷۰) نیز در مورد تعریف وجهیت و انواع آن، بیان می‌کند که وجهیت را می‌توان به عنوان ایجاد یک هالهٔ بینافردی از نگرش سخنگو در مورد یک گزاره در نظر گرفت. او شکل (۱) را برای بیان انواع وجهیت ارائه می‌کند.



شکل (۱) انواع وجهیت

طبق این طرح اگر محصول ارتباط بینافردی، تبادل اطلاعات باشد، این تبادل پیام و یا نگرش سخنگو در مورد یک گزاره می‌تواند در سه سطح بالا، متوسط و پایین به شکل احتمال با درجات احتمال وقوع و یا تداول با توجه به درجهٔ تکرار یا بسامد در نظر گرفته شود. از طرف دیگر، چنان‌که محصول این ارتباط به نوعی از جنس خدمات و کالا<sup>۲</sup> باشد، در این صورت به طور کلی سخن به شکل یک پیشنهاد در نظر گرفته می‌شود که در آن وجهیت در بر گیرندهٔ دو بخش التزام و تمایل خواهد بود. طبق این طرح نیز وجهیت نوع اول، وجهیت احتمالی/تداولی و وجهیت نوع دوم، التزامی/تمایلی در نظر گرفته می‌شود.

### ۳-۱. روش تحقیق

با توجه به اینکه جستار حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی است و براساسی نظام دستور نقشی هلیدی (۱۹۸۵) به بررسی مقولهٔ وجهیت از جنس احتمالی/تداولی در زبان ترکی آذربایجانی می‌پردازد، بدین منظور ساختار نقشی یک بند به عنوان نقش تعاملی توسط تعدادی از جمله‌واره‌های (بند) ترکی با معادل انگلیسی و فارسی آن‌ها تحلیل می‌شود و بخش‌ها و عناصر تشکیل‌دهندهٔ درون بندها مشخص شده است. در گام بعدی نیز ساختار وجهیت از جنس احتمالی و تداولی به ترتیب از نظر امکان وقوع و بسامد یا تداول و درجات و سطوح آن‌ها و عناصر دخیل در شکل‌گیری‌شان، در زبان ترکی بررسی می‌شود. معیار و الگوی مقایسه و تحلیل رفتارهای زبانی از نظر وجهیت احتمالی/تداولی در این زبان، بر اساس چارچوب ساختار وجه است که در فرانش بینافردی نظام دستور نقشی هلیدی (۱۹۸۵) تعریف شده است. بدین‌صورت که ساختار وجه شامل دو

<sup>۱</sup> proposition

<sup>۲</sup> goods-&-services

بخش وجه و باقی مانده است و عنصر زمان داری بخش وجه و افزوده‌های وجهی موجود در آن به عنوان معیاری برای تشخیص وجوه و حالت‌های وجهیت مورد نظر در این زبان به کار گرفته می‌شود. پیکره زبانی مورد استفاده برای داده‌های مورد بررسی در این جستار که به شکل بندهای کوتاه ترکی آذربایجانی به همراه معادل‌های انگلیسی و فارسی آن‌ها می‌باشند، عموماً از مثال‌های موجود در منابع دستوری زبان ترکی آذربایجانی و منابع داستانی و ادبی در این زبان هستند.

#### ۴. تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که در بخش روش تحقیق اشاره شد، بررسی ساختار وجهیت در ترکی آذربایجانی بدون مطالعه ساختار نقشی، به عنوان یک نقش تبدیلی امکان‌پذیر نخواهد بود. در این قسمت تلاش می‌شود که با ارائه نمونه‌های ترکی با معادل انگلیسی و فارسی آن‌ها چارچوب و عناصر موجود در این ساختار در زبان ترکی نشان داده شود. لازم به ذکر است که علائم اختصاری یا کوتاه‌نوشته‌ها و الفبای به کار رفته برای زبان ترکی آذربایجانی در پیوست شماره (۱) گنجانده شده است.

#### 9. *O yerində uzanırdı.*

O	yer	- in	- də	uzan	- ır	- dı(r).
he/she	bed	his/her	on	lie	ing	PST
S <sup>1</sup>	A <sup>2</sup>			P <sup>3</sup>		F <sup>4</sup>
	Residue					
Mood						

او سر جایش دراز کشیده بود.

#### 10. *İki gün qabağ olar bağa getmədilər.*

iki	gün	qabağ	o	-lar	bağ	-a	get	mə	-di	-lər
two	day	ago	he/she	pl.	garden	to	go	Neg	PST	they
A(cir) <sup>5</sup>			Sub-		C <sup>6</sup>		P	F		- ject
Resi-			Mo-		-due		-od			

دو روز پیش آن‌ها به باغ نرفتند.

#### 11. *Dostuna bir şeir yazdı.*

Dost	-u	-na	bir	şeir	yaz	-dı	-φ <sup>7</sup>
friend	his	for	a	poem	write	Past	he
A			C		P	F	S
Residue						Mood	

<sup>1</sup> subject

<sup>2</sup> adjunct

<sup>3</sup> predicator

<sup>4</sup> finite

<sup>5</sup> circumstance

<sup>6</sup> complement

<sup>7</sup> zero morpheme

برای دوستش شعری نوشت.

12. *O mənə ingilis dilini örgədir.*

O	mən-ə	ingilis	Dil-ini	örgəd	-ir	-φ
he	I - to (me)	English	Language- obj. pro	teach	AOR <sup>1</sup>	PRS <sup>2</sup>
Sub-	C	C		p		F
Mo-	Residue					- od

او زبان انگلیسی را به من می آموزد.

در نمونه‌های (۹) تا (۱۲)، ساختارنقشی در زبان ترکی نیز، علی‌رغم تفاوت‌های زبانی که از نظر رده شناسی با انگلیسی دارد، از دو بخش وجه و باقی‌مانده تشکیل شده است. بخش وجه هم به نوبه خود به دو قسمت نهاد و زمان‌داری تقسیم شده است. در بررسی ساختوازی زمانداری‌ها در نمونه‌های (۱۱) و (۱۲) مشخص شد که این عناصر در زبان ترکی همواره و بدون استثناء به شکل یک پیوند وابسته عمل می‌کنند و هرگز مستقل از پایه کاربرد ندارند. این در حالی است که زمانداری‌ها در انگلیسی - به جز در زمان حال ساده و گذشته ساده در حالت مثبت که به صورت آمیخته<sup>۲</sup> با فعل واژگانی هستند - به شکل تکواژ مستقل نمود پیدا می‌کنند. بر اساس نمونه‌های ارائه‌شده، بخش باقی‌مانده - بخش دوم بند - در زبان ترکی نیز مطابق با نظام دستور نقشی از سه عنصر نقشی محمول، متمم و افزوده تشکیل شده است.

داده‌ها نشان می‌دهند که بخش محمول در واقع مابقی گروه فعلی به غیر از زمانداری را شامل می‌شود و جزء لاینفک ساختار وجه در قسمت باقی‌مانده است. بررسی نمونه (۱۲) در هر دو زبان نشان می‌دهد که این عنصر، حضور، عدم حضور و تعداد متمم‌ها را در بخش باقی‌مانده تعیین می‌کند، این در حالی است که حضور افزوده‌ها - با توجه به ماهیت نحوی خود و مطابق نمونه‌های (۹) تا (۱۲) - در ساختار وجه الزامی نبوده و می‌توانند از بند حذف شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
تال جامع علوم انسانی

۴-۱. وجهیت از جنس احتمالی/تداولی

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، نقش وجهیت تعیین حوزه تردید بین بلی و خیر است. همچنین بیان شد که وجهیت همانند قطبیت می‌تواند در سراسر جمله گسترده شود و محدود به یک جایگاه خاص نیست. در بحث وجهیت احتمالی/تداولی رویکرد سخنگو به یک گزاره می‌تواند به شکل احتمال وقوع با درجات یقین متفاوت و یا به شکل تداول با بسامدهای متفاوت بیان شود. به منظور بررسی و مطالعه این دو نوع وجهیت در

<sup>1</sup> aorist

<sup>2</sup> present

<sup>3</sup> fused

زبان ترکی ناگزیر به ذکر نمونه‌هایی به ترکی با معادل انگلیسی و فارسی آن‌ها هستیم تا از این طریق، رفتارهای نحوی و پیوندهای دخیل در نمود این ساختار را در قالب دستور نقشی در زبان ترکی مشخص شود. نمونه‌های (۱۳) تا (۲۶) سعی دارند به بررسی و مقایسه این نوع وجهیت بپردازند.

### 13. *O yorqunıdı. Evdə Olmalıdı.*

O	yorqun	-ıdı	Ev-də	ol	-malı	-ıdı
She	tired	was	home at	be	must	PST
S	C	F	A	P	F (PST.3sgϕ)	

او خسته بود. باید در خانه می‌بود.

### 14. *Onlar indiyə oyaq olmalıdılar.*

onlar	indiyə	oyaq	ol	-malı+ϕ	-dı	-lar
They	by now	awake	be	should	3rd	pl. <sup>1</sup>
Sub-	A	C	P	F(PRS)	-ject	

آن‌ها تا حالا باید بیدار باشند.

### 15. *Olduğça düz olabılar.*

olduğça	düz	ol	-abil	-ər	ϕ
quite	right	be	may/can	AOR	PRS
C		predi-		-cator	
					F(PRS)

آن می‌تواند کاملاً درست باشد.

### 16. *Doğru olabilməzdi.*

Doğru	ol	-abil	-məz	-dı
True	be	can/may	not	past
C	predicate		F (Neg) (PST)	

آن نمی‌توانست درست باشد.

با بررسی بخش وجه در نمونه‌های (۱۳) و (۱۴) چنین بر می‌آید که در ترکی آذربایجانی، برای بیان وجهیت با درجات یقین بالا و متوسط - بر خلاف زبان انگلیسی که به ترتیب کلمات *must* و *should* را برای تمایز این درجات به کار می‌برد - برای هر دو حالت از زمان‌داری یکسان یعنی پیوند *-malı* - استفاده شده است. در نمونه‌های (۱۵) و (۱۶) نیز زبان ترکی به جای زمان‌داری‌های متفاوت یعنی *may* و *could* در انگلیسی از یک نوع زمان‌داری یعنی پیوند *-abil* بهره می‌گیرد که بیان‌گر تفاوت‌های معنایی موجود در معادل‌های انگلیسی آن نمی‌باشد. لازم به ذکر است که هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۱۱۶) و تامسون (۲۰۱۴: ۷۲) سطح و درجه زمان‌داری‌های وجهی را در انگلیسی مشخص کرده‌اند.

<sup>1</sup> plural

17. *O şübhəsiz həqiqəti bilir.*

O	şübhəsiz	həqiqət-1 <sup>1</sup>	bil	-ir	-φ
he	certainly	the truth	know	AOR	PRS
S	A	C	P		F

او یقیناً حقیقت را می‌داند.

18. *Elm adamları ehtimalən itirilmiş şəhəri tapıblar.*

Elm adamları	ehtimalən	itirilmiş şəhəri	tap	-ib	-lar
scientists	Probably/likely	lost city	find	have	scientists
Sub-	Mood A	C	P	F	-ject

دانشمندان احتمالاً شهر گم شده را پیدا کرده‌اند.

19. *Bəlkədə O həqiqəti gizlətdi.*

Bəlkədə	O	həqiqət-1	gizlət	-dı.
Possibly	he	Truth-obj.pro	hide	PST
Mood A	S	C	P	F

شاید او حقیقت را پنهان کرد.

در موارد (۱۷) تا (۱۹)، وجهیت احتمالی با توجه به طبقه‌بندی هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۱۲۸) به ترتیب با احتمالات بالا، متوسط و پایین بدون حضور افعال وجهی و صرفاً با به کارگیری افزوده‌های وجهی مختلف در هر دو زبان نشان داده می‌شوند. چنان‌که در نمونه‌ها مشخص است، افزوده‌های وجهی با توجه به شفافیت معنایی که در بیان سطح و درجه وجهیت در نقش بینافردی دارند، بدون هیچ‌گونه ابهامی حتی بدون حضور افعال وجهی می‌توانند درجات متفاوت وجهیت احتمالی را نشان دهند. به بیان دیگر، ابهامی که در زبان ترکی در مقایسه با زبان انگلیسی از نظر ایجاد تمایز در درجه احتمال وقوع وجهیت رخ می‌دهد، با حضور افزوده‌های وجهی مرتفع می‌شود.

20. *Həmişə ora gedər.*

Həmişə	ora	ged	-ər	φ
always	there	go	AOR	PRS
Mood A	A	P		F+S

او همیشه آن‌جا می‌رود.

21. *Tarxi kitabların tez-tez oxuyaram.*

Tarxi	Kitab	-lar-	-in	tez-tez	oxu	-(y)ar	-am
history	Book	S(pl.)	obj	SUF	often	read	AOR
		C		Mood A		P	S

کتاب‌های تاریخ را اغلب می‌خوانم.

22. *Bəzən maşınla gedərəm.*

Bəzən	maşın	-la	ged	-ər	-φ	-əm
Sometimes	car	by	go	AOR	PRS	pro
Mood A	A.(cir)		P		F	S

بعضی وقت‌ها با ماشین می‌روم.

<sup>1</sup> Object suffix

موارد (۲۰) تا (۲۲) وجهیت تداولی با حضور افزوده‌هایی که مفهوم تداول و بسامد را دارند، به ترتیب در سه سطح همیشه، اغلب و گاهاً در زبان ترکی نشان می‌دهند. در این نمونه‌ها با واسطهٔ افزوده‌های تداولی هیچ گونه ابهامی در سطوح تداول در زبان ترکی دیده نمی‌شود.

23. *Sözsüzki onlar yorğun olmalıdırlar.*

Sözsüzki	onlar	yorğun	ol	-malı+ϕ	-dır	-lar
Surely	they	tired	be	must	pro.3 <sup>rd</sup>	Pl.
S	Sub-	C	P	F (PRS)	-ject	

یقیناً آن‌ها باید خسته باشند.

24. *Olar bəlkədə yolu bilməliyidilər.*

O-lar	bəlkədə	Yol-u	bil	-məli-(id)	-dilər
they	perhaps	way-obj.pro	know	should	they
S	Mood A	C	P	F	S

شاید آن‌ها باید راه را می‌شناختند.

25. *Cox ehtimalnan cavabı tapabilərdilər.*

cox	ehtimalnan	cavab	-ı	tap	-abil	-ər	-dı	-lər
much	likley	answer	obj.pro	find	can	AOR	PST	they
Mood A		C		predic-		-cator		S
						F(PST)		

به احتمال زیاد آن‌ها می‌توانستند جواب را پیدا کنند.

26. *Belkədə orda olabilərlər.*

Belkədə	orda	ol	-abil	-ər	-ϕ	-lər
perhaps	there	be	may	AOR	PRS	they
Mood A	A (cir)	predi-	F(PRS)	- (ator)		S

آن‌ها شاید آن‌جا باشند.

مثال‌های (۲۳) تا (۲۶) حالت سومی از وجهیت احتمالی را نشان می‌دهند که در آن ما شاهد کاربرد همزمان افعال وجهی و افزوده‌های وجهی هستیم. در مثال‌های (۲۳) و (۲۴) وجهیت احتمالی به ترتیب با درجات یقین بالا و متوسط مشخص است. در این دو مثال به دلیل حضور افزوده‌های وجهی، ابهامی در تمایز درجات بالا و متوسط در زبان ترکی آذربایجانی، علی‌رغم یکسان بودن افعال وجهی، وجود ندارد. در موارد (۲۵) و (۲۶)، با وجود یکسان بودن افعال وجهی (-abil) در زبان ترکی، حضور افزوده‌های وجهی متفاوت در این زبان سبب شده است که مورد (۲۵) از نظر درجهٔ یقین به سطح بالاتری در مقایسه با مورد (۲۶) ارتقاء یابد. به عبارت دیگر مورد (۲۵) در سطح متوسط و مورد (۲۶) در سطح پایین قرار می‌گیرد.

بررسی افعال وجهی در شماره‌های (۱۳) تا (۱۶) و شماره‌های (۲۳) تا (۲۶) نشان می‌دهد که در زبان ترکی - بر خلاف زبان انگلیسی که زمانداری‌های وجهی در آن‌ها از نظر ساختوازی و نحوی مفهوم زمان را به شکل مستتر در خود دارند- مفهوم زمان به شکل یک تکواژ پیوندی به زمانداری‌های وجهی می‌پیوندد. این



تکواژها در زمان گذشته پیوند *di-* و در زمان حال تکواژ صفر هستند. تکواژ صفر در دستور زبان‌های رایج ترکی آذربایجانی مطرح نشده و اشتباهاً پیوند *ir-* را که در بخش محمول واقع می‌شود و در واقع بیانگر نمود عادت‌ی و استمراری می‌باشد به عنوان پیوند زمان حال معرفی می‌شود.

### ۵. نتیجه‌گیری

با مقایسه و بررسی نمونه‌های (۹) تا (۱۲) در زبان ترکی آذربایجانی مشخص شد که در ترکی آذربایجانی نیز مطابق با رویکرد نظام دستور نقشی، ساختار وجه از دو بخش وجه و باقی‌مانده تشکیل یافته و عناصر نهاد و زمان‌داری در بخش وجه و عناصر محمول، متمم و افزوده در بخش باقی‌مانده در زبان ترکی نیز قابل تفکیک هستند. صرف نظر از تفاوت‌های طبیعی رده‌شناختی این زبان با زبانی مانند انگلیسی، نکته قابل ذکر، رفتار ساختواژی- نحوی زمانداری‌های وجهی در این زبان است که برخلاف زبان انگلیسی همیشه و بدون استثنا به شکل تکواژ وابسته به پایه واژگانی می‌پیوندند. به طور کلی بر اساس الگوی نظام دستور نقشی و طبقه‌بندی‌های صورت‌گرفته توسط تامسون (۲۰۱۴) و هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) در مورد سطوح و درجات زمانداری‌ها و افزوده‌های وجهی و با بررسی ساختار نحوی وجهیت احتمالی/ تداولی در نمونه‌های (۱۳) تا (۲۶)، مشخص شد که این وجهیت با مفاهیم تائید و انکار<sup>۱</sup> همراه بوده و دو نوع امکان بینابین در آن وجود دارد: ۱. درجاتی از احتمال که شامل سطوح یقین، احتمال و امکان است؛ ۲. درجاتی از تداول که شامل سطوح همیشه، اغلب و گاهاً می‌باشد.

در نمونه‌های (۱۳) تا (۱۶)، وجهیت توسط افعال وجهی به ترتیب سه سطح متفاوت احتمال را در زبان ترکی نشان می‌دهد. در موارد (۱۳) و (۱۴) در زبان ترکی بر خلاف انگلیسی، پیوندهایی وجود ندارند که بتوانند درجه یقین بالا و متوسط را از هم متمایز کنند و برای هر دو حالت از یک پیوند (*-malı*) استفاده می‌شود. در نمونه‌های (۱۵) و (۱۶) درجه یقین پایین در زبان ترکی تنها با پیوند *-abil* بیان می‌شود که در مقایسه با زبان انگلیسی که با افعال وجهی *may* و *could* نمود پیدا می‌کنند، بیانگر تفاوت معنایی توانستن و ممکن بودن نیست. در مثال‌های (۱۷) تا (۱۹)، وجهیت احتمالی بدون استفاده از افعال وجهی و صرفاً با توسل به افزوده‌های وجهی، در سه سطح یقین بالا، متوسط و پایین، بدون هیچ‌گونه ابهامی در تمایز سطوح، در زبان ترکی آذربایجانی نیز همانند زبان انگلیسی معلوم شد.

از تحلیل این نمونه‌ها چنین استنتاج می‌شود که ابهام موجود در وجهیت در بیان درجات یقین در زبان ترکی آذربایجانی در کاربرد صرف افعال وجهی است و این ابهام، به تنهایی با حضور افزوده‌های وجهی از بین می‌رود. موارد (۲۰) تا (۲۲)، وجهیت تداولی را با حضور افزوده‌های وجهی به ترتیب در سه سطح بالا، متوسط و

<sup>1</sup> asserting/ denying

پایین نشان می‌دهند. در این نوع وجهیت، بر خلاف وجهیت احتمالی، از زمانداری‌های وجهی استفاده نمی‌شود و بنابراین هیچ ابهامی در تمایز درجات در زبان ترکی مشاهده نمی‌شود.

موارد (۲۳) تا (۲۶) وجهیت احتمالی را با کاربرد همزمان افعال وجهی و افزوده‌های وجهی برای زبان ترکی آذربایجانی مشخص می‌کنند. در این نمونه‌ها نیز حضور افزوده‌ها سبب شد تا علی‌رغم یکسان بودن زمان داری‌ها در موارد (۲۳) و (۲۴) در زبان ترکی، ابهام در تمایز سطوح یقین بالا و متوسط وجود نداشته باشد. همچنین در موارد (۲۵) و (۲۶) علی‌رغم یکسان بودن زمانداری‌های وجهی در ترکی، ابهام در بیان تمایز معنایی زمانداری‌های مذکور در قیاس با معادل‌های انگلیسی آن‌ها یعنی *could* و *may*. با حضور افزوده‌های وجهی مرتفع شد. حضور افزوده‌ای با درجه احتمال متوسط در نمونه (۲۵)، با وجود این‌که زمانداری‌های وجهی نمونه های (۲۵) و (۲۶) از نظر درجه یقین در سطح پایین قرار دارند، سبب شده است که درجه یقین در نمونه (۲۵) از سطح پایین به سطح متوسط ارتقا یابد.

به طور خلاصه با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، در پاسخ به پرسش اول می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که وجهیت احتمالی در زبان ترکی مطابق با دستور نقشی در انگلیسی در سه سطح بالا، متوسط، پایین و در سه حالت ۱. صرفاً با حضور زمانداری‌های وجهی ۲. صرفاً با حضور افزوده‌های وجهی ۳. با حضور همزمان زمانداری‌های وجهی و افزوده‌های وجهی مشخص شد، با این تفاوت که برای تمایز سطوح بالا و متوسط در زبان ترکی آذربایجانی بر خلاف زبان انگلیسی دو تکواژ مجزا وجود ندارد و بجای آن‌ها از پیوند *-mali* استفاده می‌شود. همچنین تمایز معنایی *could* و *may* در سطح پایین نیز در زبان ترکی امکان پذیر نبوده و به جای این زمانداری‌ها نیز تنها از پیوند *-abil* استفاده می‌شود.

در پاسخ به پرسش دوم تحقیق، بر اساس تحلیل داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که وجهیت تداولی نیز همانند وجهیت احتمالی در سه سطح و با درجات همیشه، اغلب و گاهی در زبان ترکی مشخص می‌شود. در این نوع وجه‌نمایی به خاطر حضور افزوده‌های وجهی، ابهامی در تمایز بین سطوح در ترکی مشهود نیست. در ارتباط با پرسش سوم تحقیق چنین استنباط می‌شود که اولاً حضور افزوده‌های وجهی در وجهیت احتمالی/تداولی باعث رفع ابهام در تمایز سطوح می‌شود، دوماً حضور افزوده‌های وجهی در کنار زمانداری‌های وجهی می‌تواند سبب ارتقای وجهیت احتمالی از نظر درجه یقین شود. با بررسی داده‌ها در پاسخ به پرسش چهارم چنین نتیجه‌گیری می‌شود که در ترکی آذربایجانی مفهوم وجهیت با یک تکواژ و مفهوم زمان با تکواژ دیگری نمود پیدا کرده و زمانداری‌های وجهی در این زبان، بر خلاف انگلیسی، در نتیجه پیوند این دو تکواژ باهم حاصل می‌شوند. پیوند *-id* در این زبان نشانگر زمان گذشته و عدم حضور آن نشانگر زمان حال می‌باشد. به بیان دیگر بر خلاف تصور دستور نویسندگان زبان ترکی، پیوند *-ir* که در رویکرد جدید در بخش محمول واقع می

شود، نشانه زمان حال نیست بلکه فرآیند وقوع فعل را نشان می‌دهد و پیوند نشانگر زمان حال در این زبان تکواژ صفر است.

پژوهش حاضر از این نظر که به بررسی مفهوم وجهیت احتمالی/تداولی از منظر دستور نقشی در زبان ترکی آذربایجانی پرداخته، می‌تواند با پژوهش‌های صفایی اصل (۱۳۹۵) در زمینه نمای فرانشی در دستور زبان فارسی، ترکی آذربایجانی و انگلیسی، میراحمدی (۱۳۸۳) در زمینه وجه فارسی بر اساس دستور هلیدی همسویی داشته و با پژوهش‌هایی با رویکرد ناهمسو مانند زاهدی و بازیان (۱۳۸۷) در زمینه افعال وجهی در ترکی بر اساس رویکرد پالمر (۱۹۸۶)، همایون‌فر (۱۳۹۲) در مورد دستوری‌شدگی فعل‌های وجهی در زبان فارسی بر اساس پارامترهای لمان<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) و آفاگل‌زاده و عباسی (۱۳۹۱) در خصوص بررسی وجه در زبان فارسی بر پایه نظریه فضاهای ذهنی<sup>۲</sup> در ارتباط باشد. با توجه به اینکه جستار حاضر، از بین سه فرانش در نظام دستور نقشی، فقط به مقوله وجهیت در فرانش بینافردی، در زبان ترکی آذربایجانی پرداخته است، بنابراین، پژوهش در دیگر بخش‌های ساختار وجه و دو فرانش دیگر یعنی فرانش متنی و تجربی به علاقه‌مندان پژوهش در این زمینه توصیه می‌شود.

### فهرست منابع

- آفاگل‌زاده، فردوس و زهرا عباسی (۱۳۹۱). بررسی وجه فعل در فارسی. *ادب پژوهی*، ۶ (۲۰)، صص ۱۵۴-۱۳۵.
- رحیمیان، جلال (۱۳۷۸)، وجه فعل در فارسی امروز. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۱۴ (۲)، صص. ۴۱-۵۲.
- رحیمیان، جلال و محمد عموزاده (۱۳۹۲). افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت. *پژوهش‌های زبانی*، ۴ (۱)، صص. ۲۱-۴۰.
- زاهدی، کیوان و آنتیا بازیان (۱۳۸۷). افعال وجهی در ترکی آذری. *پژوهشنامه علوم انسانی*، ۱ (۵۷)، صص. ۱۴۱-۱۵۹.
- صفایی اصل، اسماعیل (۱۳۹۵). *نمای فرانشی دستور زبان فارسی، ترکی آذری، و انگلیسی: مطالعه‌های رده‌شناختی*. پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- فرزانه، محمدعلی (۱۳۵۸). *مبانی دستور زبان آذربایجانی*. (۲ج) جلد اول. تهران: یاران.
- میراحمدی، فرزاد (۱۳۸۳). *بررسی نظام وجه زبان فارسی بر اساس چارچوب نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نقی‌زاده، محمود، منوچهر توانگرو محمد عموزاده (۱۳۹۰). بررسی مفهوم ذهنیت در افعال وجهی در زبان فارسی. *مجله پژوهش‌های زبانشناسی*، ۳ (۴)، صص. ۲۰-۱.
- هادی، اسماعیل (۱۳۷۴). *ترکی هنر است*. تبریز: احرار.

<sup>۱</sup> C. Lehmann عقیده اصلی که پارامترهای دستوری‌شدگی لمان بر پایه آن استوار است، این است که دستوری‌شدگی فرایندی کلان و دارای شش وجه و دو سطح جانشینی و همنشینی است.

<sup>۲</sup> تئوری فضاهای ذهنی به این موضوع می‌پردازد که ما چگونه زبان را برای ساخت و پردازش معنی به کار می‌گیریم. این فضاها ساختارهایی بسیار محدودند که ممکن است تصاویر، وضعیت‌های زمانی و مکانی و... را بازنمایی کنند. طبق این نظریه، ساخت معنی مستلزم دو فرایند ساخت فضاهای ذهنی و ایجاد طرح شبکه‌ای میان این فضاها است.

هلیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۳). *زبان بافت و متن*. ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی. تهران: علمی. همایون‌فر، مژگان (۱۳۹۲). بررسی روند دستوری شدگی فعل‌های وجهی زبان فارسی بر اساس پارامترهای لمان. *ویژه‌نامه فرهنگستان*، (۹)، صص. ۵۰-۷۳.

- Aghagolzade, F. and Z. Abbasi (2012). A study of modal verbs in Persian language. *Adab Pazhuhi*, 6 (20), pp 135-154.
- Aijmer, K. (2016). *Modality and mood in functional linguistic approaches*. in Nuyts, J. and Van Der Auwera, J. (eds.) *The Oxford handbook of mood and modality*. 1<sup>st</sup> ed. pp. 495-513, Oxford: Oxford University Press..
- Eggins, S. (2004). *An introduction to systemic functional linguistics*. 2<sup>nd</sup>. edition. London & New York: Continuum.
- Farzane, M. (1979). *Basics of Azerbaijani grammar*. Vol.1. Tehran: Yaran Press.
- Fillmore, C. (1968). *The case for case*. In: Bach, E., Harms, R.T. (Eds.), *universals in linguistic theory*. pp. 1–88. New York: Holt Rinehart and Winston Inc.
- Givon, T. (1995). *Functionalism and grammar*. Amsterdam: John Benjamins.
- Hadi, E. (1995). *Turkish language is an art*. Tabriz: Ahrar.
- Halliday, M. and R. Hassan (2014). *Context and text*. Translated by Monshizade, M. and T. Ishani. Tehran: Elmi.
- Halliday, M., & C. Matthiessen (2004[1985]). *An introduction to functional grammar*. 2<sup>nd</sup> ed. London: Arnold.
- Halliday, M.A.K. (1978). *Language as a social semiotic: The social interpretation of language and meaning*. London: Arnold.
- Homayunfar, M. (2013). Investigating the process of grammaticalization of modal verbs in Persian language based on Lehmann's parameters. *Academy special issue*.(9), pp. 50-73.
- Lehmann, C. (2002). *Thoughts on grammaticalization*. 2<sup>nd</sup> revised edition (ASSidUE 9). Erfurt: Seminar für Sprachwissenschaft der Universität.
- Lyons, J. (1997). *Semantics*. Vol 2. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mirahmadi, F. (2004). *A study of mood of Persian language based on systemic functional grammar*. M.A thesis in linguistics. Tehran: Shahid Beheshti university.
- Naghizade, M., M. Tavangar and M. Amuzade (2011). A study of the concept of subjectivity in modal verb in Persian language. *Journal of Linguistic Research*. 3 (4), pp.1-20.
- Narrog, H. (2005). On defining modality again. *Language Sciences*, 27, pp. 165–192.
- Nuyts, J. (2001). *Epistemic modality*. Language and conceptualization: A cognitive-pragmatic perspective. Amsterdam: John Benjamins.
- of language research*, 4 (1), pp. 21-40.
- Palmer, F. R. (1986). *Mood and modality*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rahimiyan, J. (1999). Mood of verbs in today's Persian. *Journal of social and human sciences of Shiraz University*, 14 (2), pp. 41-52.
- Rahimiyan, J., M. Amuzade (2013). Persian modal verbs and expression of Modality. *Journal Safayi Asl*, E. (2016). *Metafunctional profile of Persian, Azari Turkish and English Grammar: A typological study*. Doctoral thesis in linguistics. Tehran: Allame Tabatabayi University.
- Tavangar, M., & M. Amouzadeh, (2009). Subjective modality and tense in Persian. *Language Sciences*, 31, pp. 853-873.
- Thompson, G. (2014). *Introducing functional grammar*. 3<sup>rd</sup> ed. London: Routledge

Tucker, G. (2001). Possibly alternative modality. *Functions of Language*, 8(2), pp. 183-216.  
 Zahedi, K. and A. Baziyan (2008). *Mood of verbs in Azari Turkish*. *Journal of humanities*. 1 (57), pp. 141-159.

پیوست (۱)

فهرست اختصارات

علامت اختصاری	معادل انگلیسی	معادل فارسی
S	subject	نهاد
A	adjunct	افزوده
P	predicator	محمول
F	finite	زمانداری
C	complement	متمم
3rd	third	سوم
Sg	singular	مفرد
ϕ	zero	تهی
PST	past	گذشته
Pl	plural	جمع
PRS	present	حال
AOR	aorist	نمود عادتی
Cir	circumstance	شرایط
Neg	negative	منفی
AOR	aorist	نمود عادتی
PSV	passive	مجهول
pro.	pronoun	ضمیر
Obj.	object	مفعول

Turkish language alphabets

Ə / æ /	X: خ	Ş / ş /	C / ç /
q / g /	g: گ	Ç / ç /	ğ: غ